



مؤلفه‌های جهاد و پایداری در رمان «الوصول» با تکیه بر شخصیت ام یاسر همسر سید عباس موسوی دبیر کل سابق حزب الله لبنان

سیده مرضیه میرجهانمرد^۱، حسین مهتدی^۲ محمدجواد پورعابد^۳

چکیده

به دلیل اهمیت جایگاه زن در جریان‌سازی نهضت‌ها، نیاز به معرفی الگوهای برجسته‌ای از زنان طراز اسلام به زنان جوامع اسلامی احساس می‌شود. ادبیات پایداری می‌کوشد، روحیه ایستادگی، مقاومت، حق‌طلبی و مبارزه با ظلم را که لازمه زندگی هر انسان آزادی‌خواه است، تقویت نماید. هدف این نوشتار معرفی و تحلیل جلوه‌های شخصیتی شهید سیده سهام موسوی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بر اساس مؤلفه‌های ادبیات پایداری است. این تحلیل براساس روایت عبدالقدوس الامین از زندگانی ام‌یاسر در کتاب «الوصول» اثر عبدالقدوس الامین انجام گرفته است. مهم‌ترین مسئله این پژوهش این است که کدام یک از مؤلفه‌های پایداری در شخصیت سیده سهام موسوی نمایان شده است؟ (مسئله) نگارندگان در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به تحلیل مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری که در شخصیت قهرمان رمان «الوصول» نهادینه شده است، می‌پردازند (روش). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیده سهام موسوی در سطح بالایی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری برخوردار بوده است که عبارتند از: لزوم تطبیق زمانی و مکانی برحسب شرایط مبارزه؛ توکل و روحیه خدایاباوری در مبارزه؛ امیدواری و تسلیم‌ناپذیری؛ تکریم شهدا؛ ولایت‌پذیری و ولایت‌محوری؛ بخشش و انفاق در راه مقاومت و پشتیبانی؛ جانفشانی در راه حق (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: تفکر انقلابی، مقاومت و الهیات‌رهای بخش، ونزوئلا، سلطه‌ستیزی، آمریکای لاتین.

دوره ۱۳، شماره ۲،
پیاپی ۳۲، تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۰/۱۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۶/۱۳
صص: ۷۵-۵۵

شاپا: ۲۳۲۲-۵۶۴۵

رتبه علمی

ب

پورتال مجله‌های علمی در ایران
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.2.3.6

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران -
mirjahanmard@gmail.com
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول)
mohtadi@pgu.ac.ir
۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران -
m.pourabed@pgu.ac.ir

۱ - مقدمه

امروزه معرفی الگوها و شخصیت‌های برجسته، امری ضروری است؛ زیرا افراد جامعه به دلیل وجود انگیزه‌های روحی و روانی همچون قهرمان‌جویی و تربیت‌پذیری و الگوبرداری، نیازمند معرفی الگوهای صحیح و متناسب با اهداف و آرمان‌های خود هستند. در این میان ادبیات پایداری به‌عنوان شاخه‌ای از ادبیات متعهد، می‌کوشد در راستای وظیفه‌ای که در ترویج روحیه مقاومت و پایداری دارد، آموزه‌ها و آرمان‌های خود را به بشریت منتقل کند و روحیه ایستادگی، مقاومت، حق‌طلبی و مبارزه با ظلم را که لازمه زندگی هر انسان آزادی‌خواه است، در وجدان‌های آگاه برانگیزد. یکی از شیوه‌های ترویج این آرمان‌ها، معرفی شخصیت‌هایی است که به‌عنوان الگو در میدان جهاد و مبارزه با دشمن حاضر بوده و نقش برجسته‌ای داشته‌اند. در این میان زنان برجسته و طراز اسلام به‌عنوان محور اصلی انسان‌سازی و پایه‌های هر نهضت باید به زنان جامعه معرفی شوند؛ زیرا «زن، یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه؛ بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ص ۱۹۲).

ازجمله زنان پیشتاز در میدان جهاد در نهضت‌های معاصر، شهید سیده سهام موسوی (ام‌یاسر) همسر سیدعباس موسوی، دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان است. زندگانی این بانوی والا مقام می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای از سبک زندگی یک بانوی طراز اسلام به جهانیان عرضه شود. داستان زندگی ام‌یاسر در رمان «الوصول» نوشته عبدالقدوس الامین، توسط انتشارات دارالولاء لبنان در سال ۲۰۰۰ م به چاپ رسیده است که در سه فصل و ۴۰ عنوان کوتاه تنظیم شده است. این عناوین همچون داستان‌های کوتاه ولی به‌هم‌پیوسته هستند. نویسنده با محور قراردادن ام‌یاسر در داستان به‌طور مفصل جلوه‌های شخصیتی وی در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... را به تصویر کشیده است.

عبدالقدوس الامین در ابتدای کتاب الوصول با گریزی به خاطرات کودکی ام‌یاسر نگاهی به تأثیر چشم‌گیر خانواده وی که محور اصلی رشد و شکل‌گیری شخصیت اوست دارد. مادری صبور و فداکار و خانواده‌ای مبارز و متدین و پایبند به اعتقادات و کوشا در تربیت فرزندان خویش توانسته است شخصیتی همچون ام‌یاسر را بیافریند. نویسنده سپس مبدأ تحول زندگی او که آغاز زندگی مشترکش با سیدعباس موسوی است را به تصویر می‌کشد. سیده سهام با وجود سن کم از همان آغاز زندگی مشترک پایه‌پای شخصیتی بزرگ همچون سیدعباس گام برمی‌دارد و یار و یاور او در زندگی پرفرازونشیبش می‌شود، دوری از وطن خویش و هجرت از لبنان به نجف به همراه سیدعباس هرچند کار را برای او دشوار می‌کند؛ ولی در مدت کمی به یک بانوی الگو برای زنان عراق تبدیل می‌شود. ام‌یاسر در شرایط سخت دوران طلبگی سیدعباس و تنگنای اقتصادی و در دوران پیر از مجاهدت همسر خود در عرصه‌های علمی با مدیریت بسیار موفق می‌تواند علاوه بر

عبور از بحران‌ها به تعالی و تکامل خود همگام با سید عباس پردازد. وی علاوه بر تحصیل در سطوح عالی و برخورداری از بینش سیاسی قوی و ایجاد تشکیلات نظامی و فرهنگی، در مدیریت خانواده و همسررداری و فرزندپروری نیز بسیار موفق بوده است. هدف از این پژوهش بیان ویژگی‌های یک زن تراز اسلامی با رویکر پایداری و جهاد است تا ضمن معرفی آن به نسل جوان، به تعمیق هرچه بیشتر این فرهنگ در جامعه کمک شود.

۲-۱. سؤالات پژوهش

نگارندگان در این پژوهش بر آن هستند تا به سؤالات زیر پاسخ دهند:
جلوه‌های شخصیتی سیده سهام موسوی به‌عنوان نمونه زن طراز اسلامی در رمان «الوصول» چگونه ترسیم شده است؟

مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری که در شخصیت سیده سهام موسوی نمایان شده است چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

در حوزه ادبیات پایداری پژوهش‌های زیادی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه صورت پذیرفته است. از جمله پژوهش‌هایی که در حوزه ادبیات پایداری جهان می‌توان به آن اشاره کرد؛ کتاب «ادب المقاومة» از غالی شگری در سال ۱۹۷۰ م در انتشارات دارالمعارف مصر چاپ شده که از جمله پژوهش‌های برجسته در حوزه ادبیات پایداری به حساب می‌آید. این کتاب نقد انواع ادبی مقاومت است و موضوع اصلی آن بر محور نمودهای قهرمانی و مقاومت در آثار ادبی کشورهای مختلف، به‌ویژه کشورهای عربی می‌چرخد در سال ۱۳۶۶ ه.ش توسط محمدحسین روحانی به زبان فارسی ترجمه شده است. همچنین کتاب «درآمدی بر ادبیات پایداری جهان» از ضیاءالدین ترابی که در سال ۱۳۹۰ ه.ش توسط انتشارات صریر به چاپ رسیده است. علاوه بر بررسی دقیق ادبیات پایداری در سراسر جهان، توجه ویژه‌ای به این شاخه از ادبیات در جهان عرب نیز داشته است؛ در حوزه ادبیات پایداری ایران نیز می‌توان به کتاب «شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس» اشاره کرد این اثر نوشته حسن بارونیان که در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارت بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس به چاپ رسیده است نویسنده به در این کتاب به بررسی شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس که به زبان فارسی نوشته شده است پرداخته است؛ همچنین مهم‌ترین کتاب پیرامون ادبیات مقاومت در کشور لبنان کتاب «مقاومت اسلامی لبنان از سلاح تا قلم» اثر مریم کیانی و اکرم روشنفکر است که توسط نشر کتیبه گل در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. این کتاب با محوریت مجموعه داستانی قلم رصاص گوشه‌ای از پایداری و استقامت مردم لبنان؛ همچنین ابعاد مختلف مقاومت و پیشینه آن در لبنان و ادبیات مقاومت در این کشور را مورد بررسی قرار داده است تا به ویژگی‌های ادبی و گفت‌مان حاکم بر حزب الله لبنان دست یابد. در میان مقالات بسیار در حوزه ادبیات پایداری، مقاله «ادبیات پایداری، تعاریف و حدود» نوشته فاطمه هدایتی از پژوهش‌های دقیق و کاربردی در این حوزه،

به شمار می‌رود. پیرامون رمان «الوصول» تنها یک پژوهش در قالب پایان‌نامه با عنوان «تحلیل و بررسی عناصر داستان در رمان «الوصول» توسط ام‌البنین همتی راد در سال ۱۳۹۸ ه.ش نوشته شده است؛ همچنین تنها یک مقاله با عنوان «شخصیت زن در ادبیات بیداری لبنان (موردپژوهی رمان الوصول)» در سال ۱۳۹۷ ه.ش توسط نرگس انصاری در نشریه ادب عربی به چاپ رسیده است که به‌طورمختصر به ویژگی‌ها و جلوه‌های شخصیتی امیاسر پرداخته است نویسنده به ویژگی‌های فردی و اجتماعی قهرمان داستان پرداخته است؛ ولی به مؤلفه‌های جهاد و بیداری که از ویژگی‌های بیداری اسلامی است نپرداخته است. هیچ کدام از این آثار به موضوع بررسی شخصیت سیده سهام موسوی بر اساس مؤلفه‌های بیداری نپرداخته‌اند؛ بنابراین این پژوهش نخستین مقاله‌ای است که به بررسی ابعاد شخصیتی سیده سهام موسوی بر اساس مؤلفه‌های بیداری می‌پردازد.

۲. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. جهاد در لغت و اصطلاح

«جهاد، جنگ مشروع در راه خدا و عنوان یکی از ابواب فقه اسلامی. جهاد واژه‌ای عربی است از ریشه «ج ه د» به معنای تلاش، مشقت، مبالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن» (ابن اثیر، ۱۴۱۸ ق: ذیل واژه جهاد). مهم‌ترین مفهوم اصطلاحی واژه جهاد در متون دینی، مانند کاربرد عام آن، گونه‌ای خاص از تلاش است؛ درحقیقت «مفهوم اصلی جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. مبارزه علمی، مبارزه اجتماعی، مبارزه سیاسی، مبارزه مسلحانه، همه این‌ها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پرنیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. مبارزه آن‌جایی است که انسان با مانعی برخورد کند که این مانع در جبهه‌های انسانی، دشمن است و در جبهه‌های طبیعی، موانع طبیعی است. اگر انسان با این موانع درگیر و سعی کند آن‌ها را از میان بردارد، مبارزه کرده است. جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس. جهاد میدان‌هایی دارد، یکی از میدان‌های حضور در نبردهای مسلحانه رایج جهانی است، میدان سیاست هم دارد، میدان علم هم دارد، میدان اخلاق هم دارد. ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد جهت دار و مواجه با موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گماشته می‌شود این می‌شود مبارزه. یعنی یک چنین مبارزه‌ای که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود آن وقت جنبه تقدس هم پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال فردی مبارزه علمی می‌کند؛ زیرا این کار به‌طور واضح، دشمنان بسیار سرسختی دارد که نمی‌خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام بگیرد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: صص ۳۰-۳۱) شایان ذکر است که مؤلفه‌های بیداری نیز از همین کتاب «اندیشه مقاومت» اثر آیت الله سید علی خامنه‌ای انتخاب شده است.

۳-۲. مقاومت در لغت و اصطلاح

واژه مقاومت از ریشه «ق و م» است و برای آن معانی متنوعی بیان شده است که می‌توان به معنای ای همچون ثبات و مداومت (ابن اثیر، ۱۴۱۸ ق: ذیل واژه ق و م)، اعتدال (زیبیدی، ۱۳۰۶ ق: ذیل واژه ق و م)، پایداری، ایستادن، درست‌شدن و قیمت‌نهادن (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه ق و م) و استمرار (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ذیل واژه ق و م) و مقاومت، ایستادگی، دوام و توان (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه مقاومت) اشاره کرد. همچنین «مقاومة، مصدر باب مفاعله، از ریشه (قوم)، به معنی رودرویی قدرت با قدرت، پایداری در برابر دشمن، ایثارگری در برابر اراده شخص و تسلیم نشدن در برابر مقاصد او و مقاومت کردن در برابر چیزهایی که با عدالت ناسازگار و ناهمگون باشد» (معلوف، ۲۰۰۹ م: ص ۶۶۳).

در اصطلاح علم اخلاق، مقاومت به معنای صبر است؛ آنگونه که مسکویه می‌گوید: «اما الصبر فهو مقاومة النفس الهوى لثلاث تنقاد لقبائح اللذات» (ابن مسکویه، ۱۴۲۶ ق: ص ۱۰۲) یعنی؛ صبر همان ایستادگی نفس در برابر خواهش‌هاست تا گرفتار لذت‌های زشت نشود. در اصطلاح علم سیاست واژه مقاومت معادل rebuff, opposition, stand, resistance است (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۷: ص ۴۱۷). معنای آن به ترتیب عبارت است از: مقاومت، ایستادن، مخالفت‌کردن و واکنش برای دفع‌کردن.

مقاومت، واکنش طبیعی و منطقی ملت‌ها و انسان‌های آزادی‌خواه و باشرف، در مقابل تجاوز، تهدید، زیاده‌خواهی و ظلم نظام سلطه و مستکبرین در هر نقطه از جهان است. اصل مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم، اختصاص به یک یا چند ملت و یا دین و آئین خاصی ندارد و در هر جایی که فطرت پاک و بیدار انسانی با زورگویی‌ها و ظلم‌ها مواجه شود، به‌عنوان یک ویژگی ذاتی، هرگونه ظلم و تجاوز را بر نمی‌تابد و به مقابله با آن برمی‌خیزد. این ویژگی و آرمان در داستان‌های پیشینیان و انسان‌های آزادی‌خواه به‌ویژه در زندگانی پیامبران الهی مشهود است؛ به‌عنوان مثال می‌توان به ایستادگی حضرت ابراهیم (ع) در برابر ظلم نمرود، مقابله حضرت موسی (ع) با طغیان فرعون و پایداری حضرت محمد (ص) در برابر زورگویی‌ها و ظلم مشرکین و دیگر دشمنان الهی اشاره کرد.

آموزه‌های دین اسلام و آیه‌های متعدد در قرآن کریم، امت اسلام را به استقامت در برابر زورگویان و ظالمان توصیه می‌کند. خداوند متعال در آیه‌ای پیامبر و مؤمنان را به پایداری فرامی‌خواند. (فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) (هود: ۱۱۲)؛ پس، همان‌گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]، و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست. در آیه دیگر به تحسین انسان‌های مبارز و مقاوم در برابر ظلم پرداخته و می‌فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ) (فصلت: ۳۰)؛ در حقیقت،

کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند]: «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.

۳-۳. تعریف ادبیات پایداری

ادبیات پایداری شاخه‌ای از ادبیات متعهد است که با یادآوری ارزش‌ها و آرمان‌های ملت‌های آزادی‌خواه و دعوت به تسلیم‌نشدن در مقابل زورگویان و بازگویی ظلم و ستم آنان؛ همچنین معرفی شخصیت‌های مبارز، سبب برانگیختگی انسان‌ها و تقویت روحیه مبارزه و پایداری آنان می‌شود. با کاوش در پژوهش‌های گوناگون در حوزه ادبیات پایداری با تعاریف متعددی مواجه می‌شویم که با رویکردها و نظریات مختلف نقد و بررسی می‌شوند.

در کتاب واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، «ادبیات پایداری» این‌گونه تعریف شده است: «ادبیات مقاومت به شعرها، داستان‌ها، نمایش‌نامه‌ها، سرودها، ترانه‌ها و تصنیف‌هایی گفته می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم است. به‌طورمعمول این نوع آثار در دوره خاصی به وجود می‌آیند و اگر هنرمندانه پرداخته شوند، از ایده تنگ ادبیات قومی و ملی بیرون می‌آیند و به‌صورت شاهکارهای ادبیات، ماندگار می‌شوند. ادبیات مقاومت، اغلب به توصیف دل‌آوری‌ها، جدال‌ها و ازخودگذشتگی‌هایی می‌پردازد که ملتی یا قومی بر ضد ملت یا قومی دیگر که جریان متجاوز است از خود نشان می‌دهند» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ص ۳۷).

برخی محققان و پژوهشگران ادبیات پایداری معتقدند، غالی شکری نویسنده مصری، تعریف جامع و کامل‌تری را از ادبیات پایداری ارائه کرده است. وی در کتاب ادبیات مقاومت خود در تعریف این شاخه از ادبیات می‌نویسد: «ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع مستکبران داخلی یا تجاوزگر بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید، برخی از این آثار پیش از رخ‌نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت زمان به نگارش چگونگی آن می‌پردازد» (شکری، ۱۳۶۶: ص ۱۰). ازاین‌رو به عقیده پژوهشگران، تعریف وی از ادبیات پایداری یکی از جامع‌ترین تعاریف به شمار می‌رود؛ البته با توجه به گستردگی موضوعات و عناصر مقاومت می‌توان گفت جای نکته‌ای در تعریف فوق خالی است. غالی شکری موضوع و محتوای آثار پایداری را تنها زشتی‌ها و فجایع مستکبران عنوان کرده است؛ درحالی‌که آثار پایداری علاوه بر بیان فجایع، به طرح دل‌آوری‌ها و پایداری انسان‌های مبارز در زمان وقوع فجایع و همچنین معرفی شخصیت‌های برجسته مقاومت به‌عنوان الگو نیز می‌پردازد.

«موضوع‌های ادبیات پایداری در جهان عرب بیشتر به انقلاب‌های لیبی و الجزایر برای آزادی از سلطه و استعمار ایتالیا و فرانسه و در مصر به انقلاب عربی محمدعلی پاشا علیه عثمانی‌ها و حرکت جمال عبدالناصر در مقابله با رژیم صهیونیستی و در عراق به انقلاب ۱۹۲۰

م به رهبری علمای شیعه در مقابله با استعمار انگلیس و در فلسطین که مهم‌ترین بخش ادبیات پایداری معاصر عرب است به پایداری فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی مربوط است» (گلی، ۱۳۹۴: ص ۷). به‌طور کلی می‌توان چنین گفت که «برخی از آثار داستانی عرب - به ویژه فلسطین - از پیامدهای جنگ جهانی اول بر اعراب سرزمین شام به طور اعم و فلسطین به طور اخص و همچنین جنگ اعراب و اسرائیل و مسئله اشغال فلسطین توسط اسرائیل سخن می‌گویند و نویسندگان عرب سعی می‌کنند دغدغه‌های عرب فلسطینی را در قبال طرح‌های استعماری و صهیونیستی که قصد تصرف میهن او را دارند، در آثار داستانی‌شان منعکس کنند و به نوعی بینش ملی «بیدارگرایانه ای را به آثار ادبی خود ببخشند» (بارونیان، ۱۳۸۷: ص ۸۴).

۴. مهم‌ترین مؤلفه‌های جهاد و مقاومت در شخصیت سیده سهام موسوی

در این قسمت به تحلیل جلوه‌های شخصیتی ام‌یاسر، قهرمان داستان «الوصول» براساس مؤلفه‌های جهاد و پایداری پرداخته می‌شود این مؤلفه‌های بر اساس کتاب «اندیشه مقاومت» اثر آیت الله سید علی خامنه‌ای تنظیم شده است:

۴-۱. زمان‌شناسی و وظیفه‌شناسی با توجه با شرایط مبارزه

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های انسان طراز باید آگاهی او به وظیفه خود در هر زمان و مکانی باشد تا بتواند در مسیر هدف به درستی قدم بردارد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «علی العاقل أن یکون عارفاً بزمانه، مقبلاً علی شأنه» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۱۱۵) ترجمه: (انسان عاقل موظف است، مقتضیات زمان خود را بشناسد و به وظایف خویش متوجه باشد). با توجه به اهمیت وظیفه‌شناسی در اسلام سیده سهام نیز با تبعیت از دستورات اسلامی و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی، وظایف خود را نسبت به مقاومت اسلامی به خوبی انجام داد: «اشتهر طویلة من الجهد، لیس فی الخارج وحده فحسب، بل حتی فی داخل منزلها ظروف السید و کونه الأساس فی العلاقة مع الثورة و فی التدريب و الحرس الثوری، الاجتماعات و الضیوف آلتی جعلت المنزل خلیة نحل و طلابها و حوزة النساء درسها و تدریسهها، تریة الأولاد علاقاتها الاجتماعیة و حاجة الناس و هی آلتی تعتنی بكل التفاصيل و الوقت لیدیها یتسع دائماً ... الإهمال ممنوع إن علمت حاجة غیرها إليها» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ۱۹۶).

ترجمه: سهام هم در خانه و هم بیرون از خانه بسیار کوشا بود از جمله آن گذراندن آموزش نظامی، ارتباط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شرکت در گردهمایی‌ها و پذیرایی از مهمانان تازوار که منزلش را به لانه زنبور عسل تبدیل کرده بودند جزء فعالیت‌های روزمره‌اش بود؛ همچنین می‌بایست به مسائل مربوط به طلاب و حوزة خواهران، برنامه‌های آموزشی و تدریس و تربیت فرزندان و همین‌طور روابط اجتماعی و رسیدگی به نیازهای مردم و ... نیز پردازد. او همه این امور را با همه جزئیاتش پیگیری می‌کرد ... گویا او قادر است زمان را آن‌قدر کش دهد تا به همه کارهایش برسد ... در نگاه او اهمال‌کاری مطلقاً ممنوع است.

«ومن اولویاتها مساعدة السيد عباس آلتی ترتفع وتیرتها، فحضور المقاومة وحزب الله یتمد ویتسع، وهی تتابع الدقائق والشوارد، تساعد هنا وتسمى هنا، فی نشاط دائم بین الفعل والكلام، ویزداد اعتماد السيد علیها وایمانه بقدرتها علی سد النواقص، واصبح یحتاجها أكثر من ای وقت مضی، ترافقه والی جانبه، وهو فی قلبها وعینها لا یغادر ابداً، وعلی لسانها ذکرها حین یغیب فی رحله أو مهمة» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ۲۳۴)؛ ترجمه: از اولویت‌های مهم او، همکاری با سید عباس در همه فعالیت‌ها است. این روزها این همکاری شتاب بیشتری گرفته است. حضور مقاومت و سازمان حزب الله در میان مردم بیشتر و گسترده‌تر شده است. او مسائل ریز را رصد می‌کند و در هر گوشه و کناری که بتواند با گفتار و رفتارش یاری می‌رساند. هر روز که می‌گذرد اعتماد سید به ایمان ام یاسر و توانایی‌اش در پرکردن خلأهای موجود بیشتر و بیشتر می‌شود. هم اکنون بیش از هر روز دیگر سید به او نیازمند است. ام یاسر همه جا در کنار اوست. سید را در میان چشم و قلب خود جای داده و لحظه‌ای از او جدا نمی‌شود و اگر سید احیاناً به سفری یا مأموریتی برود، پی‌درپی از او یاد می‌کند.

آنچه از این شواهد برداشت می‌شود این است که سهام زنی است که برحسب اتفاق به هدف بزرگ همسرش متصل می‌شود؛ اما در شرایط نمی‌ماند بلکه شرایط را مطیع خود می‌کند. شاید می‌توانست داستان زندگی او به نحوی پیش رود که تنها همسر یک قهرمان باشد و فرزندان او به مدرسه بفرستد و غذایی طبخ کند و گذران روز و شب کند؛ اما او هرگز تابع جبر نشد و سرنوشت را مجبور به تقدیم هدف به سمت خودش کرد. کار تا جایی پیش می‌رود که قهرمان داستان از تمام زیربوم کارهای رهبر خود، یعنی سیدعباس که اکنون وارث زنده او در هدف است آگاهی می‌یابد. درحقیقت ام یاسر همه مسائل مربوط به دبیرکلی سیدعباس را با جزئیاتش پیگیری می‌کرد و با تمام توانی که داشت او را در پیشبرد این مسئولیت یاری می‌کرد. پیوسته می‌خواند و می‌نوشت و سخن می‌گفت و بیشتر از گذشته به کارهای شخصی سید همت می‌گماشت. به چگونگی ظاهر و پوشش سید توجه می‌کرد و لحظه‌ای از کارهای شخصی سید حتی خوراکش غافل نمی‌شد؛ همچنین هم‌زمان با دغدغه بیشتری به مسائل فرهنگی جامعه اهمیت می‌داد و سعی داشت خلأهای فرهنگی موجود را از بین ببرد. سهام بیش‌ازپیش به مسائل مربوط به فقرا و نیازمندان رسیدگی می‌کرد و بین آن‌ها حضور می‌یافت و مشکلاتشان را پیگیری می‌کرد. بار سنگین مسئولیت حزب‌الله بر دوش او بود و رسیدگی به محرومان تحمل این مسئولیت سنگین را برای او آسان‌تر می‌کرد. به‌طورکلی می‌توان گفت در دورانی که سیدعباس دبیرکل حزب‌الله بود، سهام همچون معاونی تلاشگر و کارکشته به‌خوبی بخش زیادی از مسئولیت‌های سیدعباس را به عهده می‌گرفت و او را در مسئولیت بزرگش یاری کرد.

این موضوع بیانگر مؤلفه‌ای جز لزوم به‌روزر بودن و آگاهی و هوشمندی در تمامی مراحل تغییر شکل مسیر هدف نیست؛ همچنین لزوم تطبیق زمانی و مکانی برحسب شرایط مبارزه از

اساسی‌ترین شاخصه‌های یک قهرمان بر اساس مؤلفه‌های پایداری است.

۴-۲. تکریم شهدا

یاد شهدا و تکریم و بزرگداشت آنان، از عوامل تقویت روحیه مقاومت و پایداری در انسان‌هاست. خون امام حسین (ع) در غربت بر زمین ریخته شد؛ اما بزرگترین مسئولیتی که از همان لحظه اول بر عهده امام سجاد (ع) و حضرت زینب کبری (س) قرار گرفت، این بود که پیام قیام عاشورا را روی دست بگیرند و به سرتاسر دنیای اسلام آن را به شکل‌های گوناگون منتقل کنند. این حرکت برای احیاء دین حقیقی و آن هدفی که امام حسین (ع) برای آن شهید شد یک امر ضروری بود. آن‌ها در هر شرایطی و هر مناسبتی نام امام حسین و شهادت ایشان و هدف بزرگ قیامش را برای مردم یادآور می‌شدند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۲۲۰).

«حین عاد السید يوماً، وكان علی صدره الكثير من الدماء، وحين طمأنها علی نفسه، اذ كان يساعده في نقل شهداء من المقاومة، بكت حباً وهي تقبل الثياب وتحضنها، تشمها وتمسح بها وجهها ثم تعاود احتضانها، وهي تبكي حباً وتدعو، وياسر يري ذلك منها» (الأمين، ۲۰۰۰ م: ص ۲۲۳)؛ ترجمه: یک روز که سید از عملیات برگشته بود، ام یاسر دید لباسش در قسمت سینه به خون آغشته است. سید اطمینان داد که به او آسیبی نرسیده است و این خون‌ها در اثر انتقال شهدا به پشت جبهه بر روی سینه‌اش نشسته است. ام یاسر با عشقی که به رزمندگان داشت، گریست. لباس‌ها را که سید از تنش درآورد، به سینه‌اش چسباند و آن‌ها را بوید؛ سپس لباس‌ها را به صورت خود نزدیک کرد و آن‌ها را بوید و بر صورتش کشید و دوباره به سینه‌اش چسباند و برای رزمندگان دعا کرد و یاسر همه این صحنه‌ها را مشاهده می‌کرد.

در بخشی از داستان سهام در مقابل چشم فرزندان خود بر پیراهن‌های غرق خون شهدای مقاومت بوسه می‌زند و اشک می‌ریزد. بوسیدن خون شهدا روی پیراهن در مقابل چشمان فرزند، درسی است که غیرمستقیم به فرزند خود می‌آموزد که بهای تثبیت هدف، دادن خون‌های پاک است و در این راه از کشته‌شدن نباید ترسید. در این بخش قهرمان داستان دیگر از سهام بودن خارج شده است و ام یاسر است که بسیار نام‌آشنای زنان قهرمانی چون ام‌البنین (س) و ام‌وهب شده و اکنون مادر مجاهدان راه خداست.

۴-۳. خداباوری در مبارزه

ام یاسر روح معنویت و خداباوری را در خود نهادینه کرده است او راز و نیاز و ارتباط با خدا را از مؤلفه‌های مبارزه می‌داند و برای رزمندگان دعا می‌خواند تا اهمیت مبارزه همراه با تهذیب نفس و توکل را به آن‌ها متذکر شود. چراکه بسیار قهرمانانی بوده‌اند که فتوحات بسیار به‌جای گذاشته‌اند؛ اما ایمان محور نبوده‌اند و درنهایت نامشان با شکست به اتمام رسید:

«تتعامل مع الدعاء بطريقة خاصة، ويراها اولادها كثرية فذة ابلغ من كل كلام الدنيا. تتوضأ وتلبس الحجاب في الادعية الطويلة ذات الاثر البليغ لذيها كدعاء الندبة، توزع الادوار علی من

یستطیع القراءة من اولادها، لیقرأ کل واحد جزء من ذاک الدعاء، وبعد کل دعاء تدعو للمجاهدین ویردد خلفها الصغار بكل التأثر الذی یرونه فی عینیها و نبرة الصوت. واصبحت تخص یاسر بالعناية والدلال وتقول: -ولدی المجاهد یاسر» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ۲۲۴)؛ ترجمه: دعا کردن او با دعا کردن‌های دیگران تفاوت دارد. او معتقد بود دعا کردن در نزد کودکان نوعی تربیت کردن آن‌ها است و از هر کلامی می‌تواند رساتر و تأثیرگذارتر باشد. هنگامی که می‌خواست دعاهای طولانی مانند دعای ندبه که اثر عمیقی در روح و جانش دارد، بخواند، نخست وضو می‌گرفت و چادرش را می‌پوشید و بخشی از قرائت دعا را به هر یک از فرزندان‌ش که می‌توانست با او همراهی کند، واگذار می‌کرد؛ به گونه‌ای که هر کدام از بچه‌ها می‌توانستند در خواندن بخشی از دعا سهیم باشند و در پایان هر دعا برای رزمندگان دعا می‌کرد و کودکان نیز به تقلید از مادر همان دعاهای را زمزمه می‌کردند آن‌ها از چشمان مادر و لحن صدایش پی‌می‌بردند که تا چه حد تحت تأثیر این دعاهای قرار گرفته است. او برای یاسر به‌طور ویژه و عاشقانه دعا می‌کرد و می‌گفت: پسر مجاهدم یاسر.

هدف والای قهرمان داستان تشکیل اهل و خانواده‌ی خداوند و امت واحده و رستگار زیر لوای اسلام است. او برای این هدف، دریافته است که باید معلم تمام وقت حوزه باشد تا خلل و گسل زمانی در راه رسیدن به هدف ایجاد نشود. او و همسرش سیدعباس هم معلم و هم پدر و مادر این خانواده بزرگ هستند؛ چراکه هسته تشکیلاتی هر خانواده‌ای حضور پدر و مادر است. بی‌شک اگر قصد و دغدغه تشکیل این امت واحده، تنها از سوی سیدعباس بود، هرگز این هدف پایه‌گذاری نمی‌شد؛ زیرا وجود مادر ستون اصلی تشکیل و تربیت نسل یک خانواده موفق است. چه بسا حتی اگر سهام مادری معمولی بود و تنها دغدغه و دل‌مشغولی و دعای ساده مادرانه برای شکل‌گیری و تربیت این خانواده بزرگ (امت واحده) داشت نیز کار با این موفقیت و به این سرعت رشد نمی‌کرد. او اکنون خود را مادر تمام این خانواده واحد می‌داند. مادری که تمام زندگی خود را از قرآن و عترت به ارث برده است و همین مادر می‌داند که رسول‌الله (ص) فرموده‌اند: «دعای مادر از موانع اجابت دعا می‌گذرد» (طبرسی، ۱۴۱۸ ق: ص ۲۷۲).

او خود را موظف می‌داند که روز و شب برای رستگاری جوانان مجاهد امتش دعا کند. در این دعای مادرانه، دیگر یاسر با فرزندان دیگرش که نان‌آوران بی‌باک جهاد هستند فرقی ندارد؛ زیرا این جوانان و یاسرها خون به خدا می‌فروشد و مزد آن، یعنی نان شهادت و نیک‌نامی را از خدا می‌گیرند.

در این بخش داستان، قهرمان زن، روح معنویت و خداباوری را با فرزندپروری درمی‌آمیزد و در دعاهایی که همچون فانوس و نشانه راه هدف آینده است، فرزندان و وارثان هدف را نیز با خود همراه می‌کند و برای رزمندگان دعا می‌خواند تا اهمیت مبارزه همراه با تهذیب نفس و توکل را به آن‌ها متذکر شود. چراکه بسیار قهرمانانی بوده‌اند که فتوحات بسیار به‌جای گذاشته‌اند؛ اما

ایمان‌محور نبوده‌اند و در نهایت نامشان با شکست به اتمام رسید. در این بخش ام‌یاسر حتی از فرزندپروری نیز پیشی می‌گیرد و تقویت روحیه‌ی ایمانی را به وارثان هدفش می‌آموزد.

۴-۴. امیدواری و تسلیم‌ناپذیری

وقتی انسان به فضل الهی و برکات الهی اطمینان پیدا می‌کند، اولین خاصیتش این است که فرد احساس قدرت می‌کند و احساس نیرومندی دارد، ضعف و ترس از او دور می‌شود. احساس دیگری که در انسان به وجود می‌آید، چون متکی به خدا و به قدرت لایزال و نعمت بی‌زوال است، ایجاد امید به آینده است. انسان امیدوار نیز به سمت رشد حرکت می‌کند. در نتیجه وقتی انسان، توکل و امید و اعتماد به نفس را دارا باشد، شکست‌ناپذیر خواهد شد و فرد به یک عنصر لایزال از لحاظ اقتدار، حرکت و پیشرفت تبدیل می‌شود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷: <https://khl.ink/f/40273>). توکل از جمله مؤلفه‌هایی است که باید همواره به همراه جهاد باشد. «جهاد و توکل مکمل یکدیگرند. جهاد، حمایت و پشتیبانی انسان از حق است و توکل در جهاد، اعتماد به حمایت و پشتیبانی خداوند از انسان است» (مطهری، ۱۳۵۸: ص ۱۳۷).

زن طراز اسلامی همواره به خدا امیدوار است و تسلیم ظلم نمی‌شود. ام یاسر نیز با ایمان قوی به نصرت الهی لحظه‌ای از مبارزه دست نکشید:

«و غالب الاحزان أم یاسر حتی کادت تغلبها، ومرضت تأثراً، کان غمّاً عجیباً وأسی بلا

حدود.

استعانت بالله علی احزانه، لن یكون الرد بالحزن والذهول امام هذا المصاب الجلیل، وقامت من جدید، قامت بأحزانها، محفوظ هو والأسی فی زاویة القلب محاطاً بذکریاتها عن تلك العائلة الفریدة، مع کل ما تحمل لها أم یاسر من جمیل، بجانب الحزن والقلق علی السید موسی الصدر الذی ظل مصیره غامضاً، عامان بین اختفاء الأول واستشهاد الثانی، عامان و بینهما انتصار الثورة واشتداد العود فی العمل الجهادی فی ایران، وکیف تقاطرت الاحداث متسارعة بین الحزن والفرح، کل هذا زاد أم یاسر معرفة وقناعة بان تضعه فی عین الله» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ص ۱۹۰-۱۸۹)؛ ترجمه: اندوه همه وجود ام یاسر را فراگرفت و بر روح و جاننش مستولی شد. از شدت ناراحتی بیمار شد. او دستخوش اندوه و تأسفی پایان‌ناپذیر شده بود. از خداوند کمک گرفت تا بتواند بر این غم‌ها و غصه‌ها غلبه کند. غم و غصه و حیرانی از این مصیبت بزرگ هرگز نمی‌توانست برای همیشه پاسخگوی وجود او باشد. از میان همه این ناراحتی‌ها قامت برافراشت با اینکه گوشه قلبش از این مصیبت مجروح بود، راهش را پی گرفت و هیچگاه این مصیبت بزرگ فاصله نگرفت؛ چراکه پیوسته خاطرات این خانواده بی‌نظیر در ذهنش تداعی می‌شد و به یاد خوبی‌های این خانواده و محبت‌های آن‌ها می‌افتاد. او می‌بایست علاوه بر این مصیبت غم و نگرانی‌اش را نسبت به امام موسی صدر که دچار سرنوشتی دشوار و نامعلوم شده بود، پنهان می‌کرد. از ناپدید شدن امام موسی صدر تا به شهادت رسیدن سید محمدباقر صدر دو سال بیشتر

نگذشته بود. در میانهٔ این دو سال انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید. کار و تلاش مجاهدانه در ایران آغاز شده بود. در این برهه اخبار رخدادهای غم‌انگیز و گناه شادی‌بخش پی‌درپی و به سرعت به گوشش می‌رسید؛ اما او نه تنها از مسیری که برگزیده بود، عقب‌نشینی نکرد؛ بلکه همهٔ این مسائل موجب شد که او به باور و شناختی فزاینده دست یابد؛ باور و شناختی که به او گوشزد می‌کرد همهٔ عالم در محضر خداوند است.

انقلاب اسلامی ایران شرط هدف متعالی بود؛ اما کافی نبود. اهل خدا سال‌ها همراه با قهرمانان فرعی، همچون سیدمحمدباقر صدر و خواهرش بانو بنت‌الهدی صدر در اقلیم هدف خود زندگی کرده بودند و اکنون اقلیم کوچک آن‌ها در کنار کهکشان بی‌انتهای امت خداوند، به هم رسیده بود. کشورهای منطقه؛ ایران، عراق، لبنان و فلسطین و... همچون تخته‌سنگ‌هایی کنار هم بر روی رودخانهٔ موج حوادث سیاسی که سرمنشأ آن استعمارگران منطقه بودند، قرار گرفته بودند تا خانوادهٔ خدا و وارثان هدف به سلامت از روی آن عبور کنند. در این بین، امام موسی صدر، پدر خانوادهٔ خدا، در این رود بی‌رحم و وحشی ناپدید شد. در این موقعیت سهام بازهم از ادامهٔ راه خسته نمی‌شود و لزوم تغییر برحسب شرایط را باور دارد. او می‌داند که آرزو و هدف امام موسی صدر رسیدن به هدف متعالی و برقراری عدالت و آزادی لبنان بود. سهام و سیدعباس پیش‌ازاین در مرحلهٔ اول جهاد، به خداوند و خاندان صدر در عراق ثابت کرده بودند که با دست‌های خالی، اما ایمان قوی به نصرت الهی و ایدئولوژی و هدف متعالی، می‌توان به هدف اتحاد و پیروزی امت اسلامی رسید؛ اما اکنون وقت اثبات این توانایی به خودشان و مردم بود. مقاومت در برابر مرگ و بیم جان، ویژگی بزرگ قهرمانان نترس تاریخ است. سهام از درس دین خدا و ابویاسر آموخته است که رشد، ثمرهٔ امیدواری و تسلیم‌ناپذیری است. حتی اگر روزی مقاومت، پدر خود را از دست دهد و اشک یتیمی بر گونهٔ ملت آید، امیدواری مادر خانواده است که پس از یتیمی فرزندان، آیندهٔ آن‌ها را می‌سازد. چرا که به فرمودهٔ امام خمینی (ره)، از دامن زن است که مردان به معراج می‌روند.

یکی از مصداق‌های امیدواری و تسلیم‌ناپذیری، اعتقاد به وعدهٔ الهی است. «وعد در لغت به معنی عهد است» (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۲۲۷) و در اصطلاح عبارت است از «تعهدکردن به انجام امری، خواه آن امر خیر باشد یا شر و اختصاص پیدا کردن به یکی از آن‌ها به واسطهٔ قرینه، معین می‌شود» (مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۲۱۹). سیده سهام همواره به وعدهٔ الهی امیدوار بود:

«.. باجتاح الجیش الاسرائیلی جنوب لبنان، ثم يتمدد فی سرعة فائقة إلی بیروت، بلا مقاومة تذکر، رغم وجود السلاح و المسلحین، کأن کل ذلك الوجود المسلح لم یکن الا وهما أو وجوداً من ورق، وجود خاو فارغ من الداخل. وتتساءل أم یاسر، ما الذی میلاً الداخل ان لم یمتلی بالله، وذاک الخواء المغلق یثبت عندها ما کانت تراه» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ۱۹۵)؛ ترجمه:

«... ارتش اسرائیل طی حمله برق‌آسا تا نزدیکی‌های بیروت پیشروی می‌کند و در مقابل هیچ مقابله شایان و تأثیرگذاری از سوی جامعه مسلح لبنان مشاهده نمی‌شود... نیروهای مسلحی که از درون پوک و خالی‌اند... او می‌پرسد: به‌راستی وجودی که از خدا پر شود، از چه چیز دیگری پر می‌شود؟...»

جهاد برای خدا حلقه مفقوده مبارزان جنوب لبنان است؛ زیرا مبارزه، بدون امید به وعده الهی و تحقق پیروزی و خوارشردن مرگ و زندگی زودگذر دنیا، به یک مسابقه ورزشی می‌ماند که تنها به برد و باخت ختم می‌شود؛ اما او در پی پیروزی جاودانه حق بر باطل است. چیزی که نصرت آن را خداوند وعده داده است. از این رو، سهام با دست‌های خالی و با کمترین نیرو، تنها به امید خدا و مدد‌های غیبی، شبیه به غزوه‌های کم نفرات پیامبر (ص) در صدر اسلام، آموزش بانوان طلبه و فرستادن آن‌ها به روستاها و شهرهای مختلف لبنان را شروع می‌کند. بدون آنکه واهمه‌ای از تکرار روزهای فقر و قناعت داشته باشد. چرا که خداوند هر که را در مسیر او قدم بردارد نصرت می‌دهد. همچون انقلاب اسلامی ایران و جبهه‌های حق علیه باطل که پیشوای مستضعفان جهان؛ امام خمینی (ره) نصرت الهی را وعده داده بود. (مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ إِتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ ((عنكبوت، ۴۱)).

۴-۵. ولایت محوری و ولایت‌پذیری

پس از ربوده شدن امام موسی صدر، از آنجا که هر انقلاب اجتماعی نیازمند رهبر زنده است، در این موقعیت، خانواده شهیدان موسوی، به‌عنوان وارثان جدید گذشتگان و والدین امت خدا، باید نهال نحیف مقاومت را به درخت تنومند رهبری امام خمینی (ره) تکیه دهند. از این رو خانواده مقاومت لبنان؛ شامل سیدعباس موسوی و شیوخ و مبارزان، برای بیعت با پیشوای مسلمانان جهان، به تهران رهسپار می‌شوند:

«وتعلق أم یاسر بشخصية الإمام الخميني وتتابع كل خبر أو مقال، خطاب منه أو كلام. ياسرها حضوره الهاشمي، تقرأ له وتقرأ عنه، وتسأل السيد عباس، لتزداد تعلقاً به، وإيماناً بانتصار ثورته آلتی هی فی وجدانها مباركة مدعومة بحول من الله وقوته، تشارك فی الدعاء وفي النداء، فی صرخات الله اكبر آلتی كانت تتردد علی اسطح المنازل فی الوقت الذي یحدده الامام، وفي كل ما تستطیع من اسالیب دعم وولاء، وتشعر بالانتماء لهذا الفكر الثوري، المؤمن بالقدرة علی التغيير، تشعر بأنّها جزء من تلك الثورة، وتحمل لواءها أينما حلت» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ۱۸۶)؛ ترجمه: ام یاسر به شخصیت امام خمینی (ره) تعلق خاطر خاصی داشت. خبرها و گفته‌ها و سخنرانی‌هایش را به دقت پی‌می‌گرفت؛ گویا نفس این سید هاشمی دل او را اسیر خود کرده بود. از این شخصیت نکاتی را می‌آموخت و برای مردم بازگو می‌کرد. در این باره از سید عباس نیز پرس‌وجو می‌کرد و با این کار می‌کوشید ایمان و تعلق خاطرش به پیروزی این انقلاب افزوده شود؛ انقلابی که در نگاه او مبارک بود و از پشتیبانی و حمایت الهی برخوردار بود. او در جلسات دعا

و در فراخوانی‌هایی که صورت می‌گرفت، مشارکت می‌کرد. در ساعتی که امام خمینی (ره) تعیین می‌کرد، همرا با مردم به پشت‌بام خانه‌اش می‌رفت و فریاد الله اکبر سر می‌داد و از همه روش‌ها در ابزار دوستی و پشتیبانی از آن بهره می‌گرفت و احساس می‌کرد از درون دل‌بسته این تفکر انقلابی است که در ایران شکل گرفته است؛ تفکری که به توانایی انسان در ایجاد تغییر در سرنوشت جامعه ایمان دارد. او خود را جزئی تفکیک‌ناپذیر از این انقلاب می‌دانست و پرچم جانبداری از آن را در هر کجا که بود، به دوش می‌کشید.

«یمتد جسر التواصل بین السید عباس والثورة الاسلامیة فی ایران، فی تواصل یقوی یوماً بعد یوم، و تمتد ید المساعدة من هذه الثورة الفتیة الام، ویذهب السید عباس إلى هناك، ویحصل علی رعاية من الإمام وتأيید ودعم و یأتی بعزم جدید» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ۱۸۸)؛ ترجمه: پل ارتباطی میان سید عباس و انقلاب اسلامی در ایران همچنان برقرار بود و روز به روز تقویت می‌شد و انقلاب که چون نهالی تازه‌پا در حال رشد بود، دست کمک به‌سوی هم‌فکرانش دراز کرده بود. سید عباس به ایران رفت و به عنایت و تأیید و پشتیبانی امام خمینی (ره) دلگرم شد و با عزمی نو به لبنان بازگشت.

در بخشی از کتاب آمده است؛ ام‌یاسر شب‌ها به همراه نزدیکان در ساعتی که مقرر شده بود به پشت‌بام می‌رفت و برای پیروزی انقلاب اسلامی ایران ندای الله اکبر سر می‌داد تا پشتیبانی خود را از امام خمینی (ره) و مبارزان ایران اسلامی نشان دهد. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) پیروز شد و این شادی نصیب قلب ام‌یاسر شد.

انقلاب اسلامی پشتوانه‌ای عمیق براساس اسلام دارد و آویختن به این جبل‌المتین، رستگاری تمامی انقلاب‌های مردم‌سالار را دربردارد. بسیاری از انقلاب‌های خاورمیانه و بیداری اسلامی سال‌های اخیر، به این رشته محکم الهی به رهبری امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای چنگ زده‌اند و به آزادگی در راه جهاد و مقاومت رسیده‌اند. سهام نیز نیک می‌داند که رویش گیاه نوپای مقاومت لبنان احتیاج به تیکه‌زدن به درخت تنومندی؛ همچون امام خمینی (ره) دارد. مردی هاشمی که مانند سیدعباس از نسب رسول‌الله است و آیتی برای آنکه نشان دهد راه را تاکنون درست آمده‌اند. بنابراین وقت آن رسیده است که همانند بانو «مرضیه دباغ» بیعت و وفاداری خویش را با پدر انقلاب‌های اسلامی جهان و قهرمان آزادگان عالم؛ حضرت امام خمینی (ره)، ثابت کند و در این راه برای پاسداشت انقلاب اسلامی ایران، مشتش با مشت مردم ایران و جنوب لبنان در شب‌های بهمن ۱۳۵۷ ه.ش بالا می‌رود و در مناره دهانش گلبانگ الله اکبر سر می‌دهد. این نتیجه‌ای بر اساس خواستگاه قیام‌های الهی است که در آن مؤلفه‌های پایداری نه‌تنها جنسیت نمی‌شناسند؛ بلکه بفرموده حضرت روح‌الله، از دامن حمایت زن، مردان آزاده به معراج شهادت می‌رسند.

در بهمن ۱۳۵۷ ه.ش انقلاب اسلامی ایران به رهبری پیشوای تمامی شخصیت‌های مبارز

داستان به پیروزی رسید. «جوانان مقاومت به رهبری سیدعباس موسوی برای بیعت با ایشان در سال ۱۳۵۸ ه.ش رهسپار ایران شدند. حسین شیخ‌الاسلام در خاطرات خود دربارهٔ اولین دیدار امام خمینی (ره) با نیروهای مقاومت لبنان می‌گوید: «قبل از سیدعباس موسوی ابوحسن رعد دبیرکل بود. حاج حسین خلیل، سیدحسن نصرالله، ابوهشام، سیدابراهیم امین یک گروهی بودند که از داخل امل انشعاب کردند و به‌عنوان حزب‌الله به تهران آمدند. ما با آن‌ها جلسه گذاشتیم. خیلی این جلسات برای من آموزنده بود. یعنی از این مبارزان لبنانی درس سیاست خارجه گرفتم. آن‌ها خدمت حضرت امام خمینی (ره) رفتند و عقایدشان و اصولشان را خدمت حضرت امام ارائه کردند. حضرت امام در اموال بیت‌المال خیلی حساسیت به خرج می‌داد. ما برای سیاست خارجهٔ غیررسمی مان هرچه از ایشان پول درخواست می‌کردیم خیلی سخت موافقت می‌کرد؛ ولی برای حزب‌الله - که آن موقع اسمش هم حزب‌الله نبود - خیلی امام دست‌ودل‌باز برخورد کرد. وقتی ایشان این برخورد را کرد، ما فهمیدیم که باید روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کرد. توضیحی هم که مبارزان حزب‌الله برای حضرت امام دادند توضیح ضد رژیم صهیونیستی و مقاومتی بود. ما در کمک‌کردن به حزب‌الله از دیدگاه حضرت امام هیچ محدودیتی نداشتیم، به‌ویژه که جنبهٔ ضدصهیونیستی در آن ملاقات خیلی برجسته بود. بعدها آن‌ها فرمایشات حضرت امام در رابطه با لبنان و فلسطین را به‌عنوان یک منشور درآوردند که هدفش را آزادی فلسطین و قدس گذاشته است» (شیخ‌الاسلام، (۱۴۰۰): <https://irdc.ir/fa/news/7551>) در سفری که سهام به همراه همسرش به تهران داشتند موفق به دیدار با امام خمینی (ه) شدند و امام مجاهدت‌های حزب‌الله را تأیید کردند:

«خطر إلى بالها ذلك الطلب حين ذهبت إلى إيران، كانت في صحة السيد عباس، ومعها ولدها محمد، عسى أن تكون ارادة الله في شفائه مما هو فيه ببركة الإمام الخميني، ويلمسة من يده. حين اقتربت هي ومن لهم نفس حاجتها من الإمام وحركة الإمام معروفة في وجود النساء فهو لا ينظر إلى امرأة نظرة ثابتة ولو لجزء من الثانية، فطلبت من الله في قرارة نفسها أن ينظر إليها الإمام إن كانت ستشهد في صحة السيد عباس. كإشارة يطمئن لها القلب» (الأمين، ۲۰۰۰ م: ص ۲۳۶-۲۳۷)؛ ترجمه: در سفرش به ایران، این خواسته را به یادآورد. به همراه سید عباس و پسرش محمد به ایران رفته بود. او در این سفر امیدوار بود که به برکت دستی که امام خمینی (ره) بر سر محمد می‌کشد، خداوند کودکش را شفا دهد. در این دیدار او همراه چند نفر دیگر که همین خواسته را از امام داشتند، نزدیک امام خمینی (ره) می‌شود. او می‌داند امام خمینی (ره) به خانم‌ها نگاه نمی‌کند و در چهرهٔ هیچ زنی حتی کمتر از ثانیه‌ای خیره نمی‌شود. در همان لحظه در عمق جاننش این نیت را کرد که اگر او همراه سید عباس به شهادت خواهد رسید، لحظه‌ای به چهره‌اش نظر کند و او این نگاه را علامتی برای اطمینان قلبی خود بشمارد.

در سفری که سهام به همراه همسرش و اعضای حزب‌الله به تهران داشت، موفق به دیدار امام

خمینی (ره) شد و امیدوار بود به برکت دست رحمت امام خمینی (ره) بر سر کودک معلولش، شفا بیابد. در همان لحظات تصور شهادت هم‌زمان خودش و همسرش از ذهنش عبور کرد. به او گفته بودند امام ولو ثانیه‌ای به زنی نگاه نمی‌کند؛ اما او که آرزوی شهادت همیشه در قلبش بود، در ذهن خود قراری گذاشت که اگر خدا شهادت خود و همسرش را به آنان عطا می‌کند و مجاهدت‌هایش مورد رضای اوست، امام خمینی (ره) لحظه‌ای به او نگاه کند که این چنین شد و سهام به یقین رسید که این هدیه الهی پس از سال‌ها مجاهدت به او و همسرش عطا خواهد شد.

یاسر موسوی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری تسنیم می‌گوید: «دیدارهای بسیاری با امام داشتند و در یکی از دیدارها مادرم و حسین هم همراه او بود و دفعه دیگر محمد همراهش بود. به خاطر کار، دیدارهای زیادی داشتند. در یکی از دیدارها شهید سیدعباس همراه گروه شورا به ایران نرفت و در لبنان ماند. یک قانونی وجود دارد که می‌گوید وقتی همه برای شورا به ایران می‌روند باید یک نفر در لبنان بماند و سیدعباس ماند و امام در مورد سیدعباس پرسیده بود و گفته بود کجاست او را میان شما نمی‌بینم؟ گفته بودند او در لبنان مانده و ایشان گفته بود که من بسیار ایشان را دوست می‌دارم و به او علاقه‌مند هستم.

در یکی از دیدارها سید عباس نزد امام بود و همراه وی مادر و خواهر در هتل استقلال یا آزادی بودند و برای ناهار نیامده بود. وقتی آمد مادر از او پرسیده بود برای ناهار نیامدی و ما ناهار منتظرت بودیم. گفت کسی که ناهار از طرف امام دعوت باشد و با او بخواهد هم‌سفره شود به ناهار اینجا نمی‌رسد؛ ناهار آن روز امام عدس پلو بود و او بسیار متأثر شده بود. سید همچنین عکسی دارد کنار تابوت شیشه‌ای امام که به فاصله سه متر از آن گرفته است. ایشان به امام گفته بود فکر کنم بعد رفتن شما امام زمان ظهور کند و این نشان تعلق خاطری بود که ایشان به امام داشتند» (موسوی، ۱۳۹۳: https://tn.ai/286032).

۴-۶. بخشش و انفاق در راه مقاومت و پشتیبانی

بخشش و انفاق یکی از مؤلفه‌های مهم برای ابراز حمایت از مقاومت است چرا که افراد علاوه بر جان با اموال خود نیز در راه خدا جهاد می‌کنند همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ) (توبه، ۲۰)؛ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند. انفاق در لغت عبارت است از: «اخراج مال از ملک (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ص ۱۲۱) و در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، اعطای چیزی از مال و غیر مال و از واجب و غیر واجب است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق: ذیل واژه نفق). سهام در طول زندگی خود همواره به مسئله انفاق در راه مقاومت توجه داشته است:

«وإن لم يستجيبوا تظل هي وابتسامتها والكلمة الطيبة، والفعل قبل العمل، سعت إلى دعم

المقاومة. تبرعت بالعقد الذي جاءها هدية والذي لا تملك سواه، تبرعت بما تستطيع الاستغناء عنه في منزلها. حتى ادوات المطبخ، الادوات الكهربائية التي تستطيع الاستغناء عنها بالعمل يدويا» (الأمين، ۲۰۰۰ م: ص ۲۱۶)؛ ترجمه: اگر حرفش را نپذیرفتند و دعوتش را پاسخ ندادند، او می‌ماند و لبخند همیشگی و سخنان پاک و گوارایش. قبل از هر کاری سعی می‌کند نخست وظیفه خود را در قبال مقاومت و پشتیبانی از آن به درستی انجام دهد؛ بنابراین گردنبدن طلابی را که برایش هدیه آورده‌اند و تنها چیز باارزشی است که دارد، داوطلبانه وقف مقاومت می‌کند. در امکانات و وسایل خانه نیز تا می‌تواند صرفه‌جویی می‌کند. برخی از وسایل آشپزخانه و لوازم خانگی برقی را که در آشپزخانه دارد و می‌تواند به کمک دستانش از آن‌ها بی‌نیاز شود، به جبهه مقاومت هدیه می‌کند.

در تاریخ مسلمانان، بی‌شک اگر ام‌المؤمنین حضرت خدیجه (س) در مصائب اقتصادی از جمله شعب ابی‌طالب (ع) و با مهمانی‌های تبلیغی و سفرهای خارج از مکه در کنار پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) نبودند، اسلام این چنین رشد نمی‌یافت. سهام فرزند همان ام‌المؤمنین است که روزی تمام ثروت خود را در راه ترویج و تبلیغ دین اسلام؛ در اختیار همسرش قرار داد. او دریافته است که در بخشیدن است که یک دانه بذر که امروز برای دین خدا می‌بخشد، دست‌به‌دست در بین امتش به هفت دانه و سپس هفتادها بذر در دست آیندگان و وارثان تبدیل می‌شود؛ چرا که اگر امروز در بحبوحه جنگ به فراخوان امامش گوش بسپارد و بهای جهاد را با حتی کوچک‌ترین چیزی که در منزل دارد بپردازد، فردا مقاومت برای وارثان هدف متعالی، بیمه می‌شود. اگرچه در اسلام جهاد مستقیم نظامی بر زن واجب نشده است؛ اما طبق الگوی موفق جهاد پشتیبانی بانوان ایران در هشت سال دفاع مقدس، سهام نیز که زنی از پیشوای سیاسی جریانات کشور است، جهاد انفاق را می‌آموزند و با مال و جان جهاد می‌کند و درحقیقت او با انفاق، خدا را مشتری خود می‌کند و کیست آنکه با خدا تجارت کند و سودی هزاران برابر به دست نیاورد. چرا که خداوند بر اساس آیه ۲۶۱ سوره بقره فرموده است:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره، ۲۱۶).

پس از تهاجم ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان، ام‌یاسر - تا آنجا که امکان می‌یابد - در کنار همسرش، به فعالیت در حزب‌الله می‌پردازد، به خانواده‌های شهدا و اسرا سرکشی می‌کند، به فرزندان شهدا رسیدگی می‌کند. در کنار همه این‌ها، از فعالیت‌هایی همچون شستن لباس رزمندگان و جمع‌آوری کمک‌های مالی برای حزب‌الله و خانواده‌های شهدا نیز فروگذار نمی‌کند. یاسر موسوی، فرزند بانو سهام موسوی روزی را به یاد می‌آورد که یکی از همسران شهدا به نزد ام‌یاسر می‌آید و از او کمک می‌خواهد. به او می‌گوید که حتی مقداری نفت برای گرم کردن خانه‌شان ندارند و ام‌یاسر هم، دوتخته فرش خانه‌اش را به او می‌بخشد و هنگامی که پدر به خانه بازمی‌گردد و

از جریان مطلع می‌شود، از شادمانی داشتن همسری چنین مؤمن و بخشنده، خدا را شکر می‌کند. تصویر زیر از امیاسر در کنار طلاب حوزه الزهراء در جبهه پشتیبانی ثبت شده است.

۴-۷. جانفشانی در راه حق

شهادت طلبی و جانفشانی در راه خدا بالاترین آرزوی هر مبارز مسلمان است. امیاسر نیز کم‌ترین تردیدی در این هدف نداشت:

«ثم يأتي اغتيال الشيخ راغب، ذاك الشيخ الذي تعرفه وتعرف عنه الكثير مذ كان في النجف الاشرف، وتحول حزنها غضبا، وغضبها عملاً مكثفًا، ولم تدخر جهداً، حملت راية المقاومة ونصرتها لتصبح هي همها الاول، حين ارتفعت مع اغتياله وتيرة المقاومة، وبدأ اسمها يزداد حضوراً كمقاومة اسلاميه تأخذ مكانها في الصراع، فاعلة قوية مهابة، ليصبح وجودها مع الوقت بالغ الاثر» (الأمين، ۲۰۰۰ م: ص ۲۱۷)؛ ترجمه: پس مدتی شیخ راغب حرب به دست نیروهای اشغالگر ترور می‌شود. امیاسر این روحانی مبارز را به خوبی می‌شناسد و از قدیم در نجف اشرف درباره او بسیار شنیده است. اندوه و خشمی که از این ماجرا در دلش می‌افتد، او را به عنصری فعال و پرتلاش تبدیل می‌کند. با تمام توان پرچم مقاومت و کمک‌رسانی به مقاومت را به عنوان مهم‌ترین دغدغه زندگی‌اش بر دوش خود حمل می‌کند. با ترور شیخ راغب حرب روند مقاومت مردم سریع‌تر می‌شود و نام این شهید و یاد او در همه صحنه‌های درگیری حضوری جدی و تأثیرگذار دارد و آثار عمیقی در میدان‌های نبرد برجای می‌گذارد.

رهبران بزرگ مبارزات میدانی از قبیل سرداران بزرگ جبهه‌ها بارها و بارها در جنگ‌ها هم‌زمان کلیدی خود را از دست داده‌اند؛ اما آنچه مهم است حفظ روحیه کل قوا است. از سویی، حفظ روحیه مقاومت در خاندان عصمت و طهارت (ع) امری ذاتی و الهی است. پس از شهادت امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) بانویی نترس علمدار کربلا می‌شود که زینب کبری (س) است. سهام وارثی از سلاله این خاندان است؛ بنابراین، به‌طور ذاتی از خاندان خود، مقاومت را به ارث برده است. از سوی دیگر سهام با مطالعات فراوانش در علوم دینی و شاگردی در محضر اساتید بزرگ، به این مهم دست یافته که جهاد و مقاومت فریضه‌ای الهی بر گردن انسان است. امیاسر می‌داند هر عضوی از یک خانواده که همسر یا فرزندی به راه مقاومت عطا کرده باشد، سند حقانیت قیام‌لله را امضا کرده است و این نشانه‌ای از حقانیت هدف متعالی است. بنابراین پاسداری خون شهدا و جانبازان و زحمات ایثارگران و آزادگان مقاومت، گوشه‌ای از مؤلفه‌های پایداری است که تکیه و توسل به صبر را در راه هدف، تبیین می‌کند و نهال آزادی را بارور می‌سازد.

خانواده مقاومت مرید امامی هستند که فرمود: «بریزید خون‌ها را؛ زندگی ما دوام پیدا می‌کند. بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می‌شود. ما از مرگ نمی‌ترسیم و شما هم از مرگ ما صرفه ندارید. دلیل عجز شماست که در سیاهی شب، متفکران ما را می‌کشید. برای اینکه منطبق ندارید.

اگر منطق داشتید که صحبت می‌کردید، مباحثه می‌کردید. لکن منطق ندارید، منطق شما ترور است! منطق اسلام ترور را باطل می‌داند. اسلام منطق دارد؛ لکن با ترور شخصیت‌های بزرگ ما، ... اسلام ما تأیید می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۷، ص ۱۸۳)؛ بنابراین، نتیجه این ترور، نه تنها شکست و ناامیدی نبود که به ورود سیدعباس موسوی برای رهبری جوانان مقاومت لبنان به منظور آماده‌سازی میدان جهاد و انتقام خون شیخ مقاومت انجامید.

نتیجه‌گیری

ازجمله زنان پیشتاز در میدان جهاد در نهضت‌های معاصر، شهید سیده سهام موسوی (ام‌یاسر) همسر سیدعباس موسوی، دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان است با بررسی شخصیت این بانوی طراز اسلامی در رمان «الوصول» مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری در ایشان نمایان می‌شود: سیده سهام زنی است که برحسب اتفاق به هدف بزرگ همسرش متصل می‌شود؛ اما در شرایط نمی‌ماند بلکه شرایط را مطیع خود می‌کند و از اولویت‌های همیشگی او همکاری با سیدعباس در همه فعالیت‌هاست؛ به همین خاطر لزوم به‌روزی‌بودن و آگاهی و هوشمندی در تمامی مراحل تغییر شکل مسیر هدف؛ همچنین لزوم تطبیق زمانی و مکانی برحسب شرایط مبارزه از اساسی‌ترین شاخصه‌های یک قهرمان بر اساس مؤلفه‌های پایداری است. توکل و امیدواری به وعده الهی ازجمله مؤلفه‌هایی است که باید همواره به همراه یک مجاهد باشد. ام‌یاسر در صحنه‌های مختلف داستان سعی دارد روحیه توکل و امید، همراه با جهاد و ایثارگری را در وجود فرزندان خود که وارثان آینده میدان جهاد او خواهند بود نهادینه کند. یاد شهدا و تکریم و بزرگداشت آنان، از عوامل تقویت روحیه مقاومت و پایداری در انسان‌هاست و سیده سهام با تکریم فرزندان شهیدان در پی آن بود تا جایگاه شهیدان را در جامعه گرامی دارد. در کنار همسرش، به خانواده‌های شهدا و اسرا سرکشی می‌کند و به فرزندان شهدا رسیدگی می‌کند

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ام‌یاسر ولایتمداری و اطاعت ایشان از امام خمینی (ره) بود و بسیار پیش و پس از فقدان امام موسی صدر، ام‌یاسر و همسرش، هدف بزرگ خود را وامدار انقلاب اسلامی ایران و رهبر آزادگان جهان حضرت امام خمینی (ره) می‌دانستند.

مهم‌ترین جلوه‌های انفاق ام‌یاسر عبارتند از: جمع‌آوری کمک‌های مالی با حفظ کرامت برای جبهه مقاومت و خانواده شهدا؛ جمع‌آوری کمک برای اسکان خانواده‌های مناطق جنگ‌زده و یا بیوت المستوره؛ فروش وسایل شخصی زندگی برای کمک به خانواده شهدا و رزمندگان و ارسال کمک به جبهه‌ها.

شهادطلبی دیگر مؤلفه‌ای است که سیده سهام و همسرش به آن معتقد بودند و در مسیر مقاومت نیز جان خود را فدا کردند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، ضیاء الدین. (۱۴۱۸ ق). النهایة فی غریب الحدیث. الطبعة الاولى. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۴۲۶ ق). تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق. قم: طلیعه نور.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۹). صحیفه نور. چاپ پنجم، جلد ۱۶ و ۶ و ۷ و ۱۴. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- الأمین، عبدالقدوس. (۱۳۹۷). هم قسم. ترجمه احمد نطنزی. چاپ اول. مشهد: به نشر.
- الأمین، عبدالقدوس. (۲۰۰۰). الوصول، الطبعة الاولى. بیروت: دارالولاء.
- بارونیان، حسن. (۱۳۸۷). شخصیت پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس. چاپ اول. تهران: بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸). اندیشه مقاومت. گردآورنده سعید صلح میرزایی. چاپ اول. تهران: انقلاب اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۷). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40273:1397/5/22>.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۶ ق). مفردات الفاظ قرآن کریم. چاپ چهارم. دمشق: دارالقلم.
- زبیدی، محمد مرتضی. (۱۳۰۶ ق). تاج العروس. بیروت: مکتبه الحیاة.
- شکری، غالی. (۱۳۶۶). ادبیات مقاومت. ترجمه محمد حسین روحانی. تهران: نشر نو.
- شیخ الاسلام، حسین. (۱۴۰۰). اولین دیدار امام خمینی با مجاهدان حزب الله. <https://irdc.ir/fa/news/7551>: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۴۱۸ ق). مشکاة الانوار. قم: مؤسسه الثقافیه دارالحدیث.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). کتاب العین. الطبعة الثانية. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). اصول الکافی. المجلد ۲، تهران: دارالکتب العلمیه.
- گلی، حسین. (۱۳۹۴). «جستاری در تاریخچه ادبیات مقاومت»، همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن. چاپ اول. تهران: مرکز نشر کتاب.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸). بیست گفتار. چاپ پنجم. تهران: صدرا.
- معلوف، لوئیس. (۲۰۰۹ م). المنجد فی اللغة. الطبعة الاولى. بیروت: دار المشرق.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین. چاپ سوم. تهران: زرین.
- موسوی، سید یاسر. (۱۳۹۳). پدرم اولین کسی بود که در لبنان آیت الله خامنه‌ای را «امام» خطاب کرد. <https://tn.ai/>. 1392/11/28. ۲۸۶۰۳۲
- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی. (۱۳۷۷). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. چاپ اول. تهران: کتاب مهناز.
- نوروزی خیابانی، مهدی. (۱۳۸۷ ش). فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی (فارسی-انگلیسی). چاپ چهارم. تهران: نشر نی.

